

من تاک حقیقی هستم و پدرم باغبان است. 2 هر شاخه‌ای در من که میوه نیاورد، آن را قطع می‌کند، و هر شاخه‌ای که میوه آورد، آن را هرس می‌کند تا بیشتر میوه آورد. 3 شما هم‌اکنون به سبب کلامی که به شما گفته‌ام، پاک هستید. 4 در من بمانید، و من نیز در شما می‌مانم. چنانکه شاخه نمی‌تواند از خود میوه آورد اگر در تاک نماند، شما نیز نمی‌توانید میوه آورید اگر در من نمانید. 5 «من تاک هستم و شما شاخه‌های آن. کسی که در من می‌ماند و من در او، میوه بسیار می‌آورد؛ زیرا جدا از من، هیچ نمی‌توانید کرد. 6 اگر کسی در من نماند، همچون شاخه‌ای است که دورش می‌اندازند و خشک می‌شود. شاخه‌های خشکیده را گرد می‌آورند و در آتش افکنده، می‌سوزانند. 7 اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، هر آنچه می‌خواهید، درخواست کنید که برآورده خواهد شد. 8 جلال پدر من در این است که شما میوه بسیار آورید؛ و این‌گونه شاگرد من خواهید شد.



وقتی خدا برای اولین بار موسی را فراخواند و از او خواست تا قوم اسرائیل را آزاد کند، اولین سؤال موسی این بود: «چگونه می‌توانم این کار را انجام دهم؟ و با چه اقتداری می‌توانم چنین کار بزرگی را به انجام برسانم؟» خدا پاسخ داد: «نام خود را به تو می‌دهم: 'هستم آنکه هستم' مرا فرستاده است و تو نه به نام خود، بلکه به نام من خواهی رفت.»

انجیل یوحنا سرشار است از این عبارات «من هستم» که عیسی به ما می‌دهد تا در راهمان با خود حمل کنیم. در متنی که خوانده شد، عیسی می‌گوید: «من تاک حقیقی هستم.» عیسی این کلمات را هنگامی بر زبان آورد که می‌خواست از شاگردانش خداحافظی کند. او اراده‌اش را برای دوره‌ای که دیگر به صورت مشهود حضور ندارد به شاگردانش، و از این رو به ما نیز، عطا می‌کند. و نه تنها این: درست مانند موسی، به ما نیز مأموریتی می‌دهد. این مأموریت از جانب پروردگار ما می‌خواهد توجه ما را به سه چیز جلب کند:

- ما می‌توانیم به نام او آرام بگیریم.
- به نام او، ما به حرکت درمی‌آییم.
- به نام او، فراخوانده شده‌ایم که در عیسی بمانیم.

### بخش اول: آرامش در نام عیسی

نخست، می‌توانیم به نام عیسی آرام بگیریم. زیرا تصویر تاک و شاخه‌ها در ابتدا فقط می‌خواهد همین را به ما بگوید: عیسی تاکی است که خدا در باغ خود فرستاده است. عیسی باید کاملاً برای ما باشد. و ما باید شاخه‌هایی باشیم که اجازه داریم از او رشد کنیم. شاخه‌ها فقط در تاک هستند و بس. به آن‌ها دستور داده نمی‌شود کاری را که نمی‌توانند انجام دهند، انجام دهند. دستکاری نمی‌شوند و احساس گناه به آن‌ها داده نمی‌شود که چرا اینقدر شکست می‌خورند بلکه فقط یک واقعیت تأیید می‌شود: شاخه‌ها در تاک هستند. هیچ دعوتی برای گرایش به کنش‌گرایی یا تقدیرگرایی وجود ندارد، فقط آنچه هست بیان می‌شود. ما به تاک پیوند خورده‌ایم. و دقیقاً به همین دلیل، تصویر تاکی که عیسی به ما می‌دهد اینقدر حیاتی و اینقدر آرامش‌بخش است. عیسی می‌خواهد به ما بگوید که ما به او پیوند خورده‌ایم. این پیوند به عیسی واقعی و ملموس است. از طریق تعمید ما، این ارتباط با عیسی و از این رو با خدا استوار شده است. هیچ چیزی آن را متزلزل نمی‌کند. و این ارتباط با

عیسی تنها یک حاشیه از زندگی ما نیست، بلکه همه چیز را تعیین می‌کند، از جمله اراده و توانایی ما. زیرا این رابطه پابرجاست و پابرجایی‌اش به خاطر خود عیسی است که این وعده را به ما می‌دهد: «من تا کم. شما شاخه‌ها هستید.»

---

## بخش دوم: حرکت در نام عیسی

این تصویر از تاک و شاخه‌ها محکم و ثابت است. و با این حال، در این تصویر حرکتی وجود دارد. نیرو از تاک به شاخه‌ها جاری می‌شود و شاخه‌ها میوه می‌دهند. و در همین حال، خدای پدر در حرکت است: مراقب شاخه‌هاست، به دنبال میوه می‌گردد و هرس می‌کند تا میوه‌های بیشتری به بار بیاید. من خدا را کمی شبیه باغبانی تصور می‌کنم که مشتاقانه به گلدان‌های بالکن نگاه می‌کند تا ببیند آیا چیزی در حال رشد است. همین‌طور خدا نیز با اشتیاق به دنبال اولین نشانه‌های میوه است. چون هرگز میوه کافی نیست به این دلیل که گرسنگی در دنیای ما بسیار زیاد است. این به خاطر آن است که نیاز بسیار عظیم است. در دنیای ما، شرایط بر ضد زندگی و رشد است. در دنیای ما، مرگ همه‌جا حضور دارد. آه، چقدر مردن زیاد است! چقدر مرگ‌های بی‌معنی زیاد است! مردم بی‌هدف به مرگ کشیده می‌شوند. بعضی به صورت جسمی و روحی نابود می‌شوند. آن‌ها هرگز نمی‌توانند عشقی را که از خدا جاری می‌شود تجربه کنند. نمی‌توانند رشد کنند. رنجی وصف‌ناپذیر وجود دارد و تشنگی‌ای وصف‌ناپذیر برای زندگی و شادی. در عوض، مردم بارها و بارها نفرت، حسد و خونریزی درو می‌کنند.

دقیقاً چون این گرسنگی به این اندازه بزرگ است، خدا به برداشتی فراوان نیاز دارد. دقیقاً به همین دلیل اینقدر تلاش می‌کند. دقیقاً به همین دلیل است که در طول نسل‌ها، بارها و بارها کسانی را فراخوانده که از قدرت او زندگی کنند و سخن بگویند. و حتی اکنون، خدا با دقت از باغچه خود، کلیسا، مراقبت می‌کند. به دنبال میوه‌هایی می‌گردد که بسیار مورد نیاز هستند. به دنبال هر مسیحی و هر جماعتی می‌گردد. و آنجاست که جوانه‌ای تازه سر برمی‌آورد و همان لحظه خدایی شادمان به همراه تمام سپاهیان آسمانی شادی می‌کند! آه، چقدر برای پدر آسمانی دردناک است که میوه ظاهر نمی‌شود. او بهتر از هر کس دیگری رنج و گرسنگی این جهان را می‌شناسد. او بهتر از هر کس دیگری می‌داند چه چیزی مورد نیاز است. ناامیدی او چقدر باید عظیم باشد وقتی که دقیقاً در نقطه اتصال میان تاک و شاخه، میان جماعت مسیحی و خدا، چیزی سست می‌شود و میوه‌ای به بار نمی‌آید. در تمثیل امروز، عیسی به ما می‌گوید که خدا شاخه‌هایی را که هیچ میوه‌ای ندارند، می‌برد. به طور مشخص، این یعنی: جایی که کلیسا بر روی موهبت‌هایش می‌نشیند و بی‌حرکت می‌ماند... جایی که کلیسا در وضعیت خود باقی می‌ماند و حتی یک کلمه برای مردم زمانه‌اش بر زبان نمی‌آورد... جایی که کلیسا از دعا کردن، با اشک و التماس، برای هم عصرانش دست می‌کشد... جایی که کلیسا راهی به سوی هموعانش نمی‌جوید و کلمه‌ای برای آن‌ها ندارد، بله، آنجاست که پدر باید آن شاخه را ببرد. تصویری که عیسی برای ما می‌کشد تکان‌دهنده است. زیرا نشان می‌دهد که شاخه‌ها هدفی دارند: باید میوه بدهند.

صریحاً گفته نشده که این میوه‌ها چه هستند، و دلیل خاصی برای این هست: میوه‌ها گوناگونند. برای یکی، شاید این باشد که از خدا موهبت اعلام انجیل عیسی مسیح را به شیوه‌ای ملموس و خلاقانه دریافت کند. برای دیگری، میوه شاید پنهان باشد. در دعا کردن برای هموعان و جماعت. عیسی تأکید می‌کند که هر شاخه با موهبت‌های خاص خود درگیر است.

تصویر رشد میوه، نشان می‌دهد که زندگی مسیحی ما در جریان است. هر که زندگی می‌کند، حرکت می‌کند، می‌خورد، می‌نوشد، سر کار می‌رود و کارهای بسیار دیگری انجام می‌دهد. و هر که به تاک خدا پیوند خورده، ایمانی را که از او دریافت کرده زندگی می‌کند و به زندگی دیگران جاری می‌شود. و خود خدا با اشتیاق به میوه‌هایی که به بار می‌آیند می‌نگرد.

---

## بخش سوم: ماندن در نام عیسی

در پایان، دعوتی است . دعوت به ماندن:

«در من بمانید و من در شما. همان‌طور که شاخه نمی‌تواند از خود میوه بدهد مگر اینکه در تاک بماند، شما نیز نمی‌توانید مگر اینکه در من بمانید..»

خطر واقعی این است که ما نمانیم. و این می‌تواند به شکل‌های مختلف اتفاق بیفتد. شاید کسی خود را نه شاخه، بلکه باغبان ببیند و بی‌پروا عمل کند و چنان بر دیگران ظاهر شود که گویی خود خداست. مردم را بر اساس افکار و نقشه‌های خودخواهانه‌اش هرس و کوتاه کند. این خطر در میان ما مسیحیان نیز وجود دارد. ممکن است نقش خود را اشتباه بگیریم. فکر می‌کنیم باید به تنهایی کلیسا را اداره کنیم، وگرنه همه چیز فرو می‌ریزد. اما این دروغ است. ما کلیسا را نجات نمی‌دهیم. ما شاخه‌ایم، نه باغبان. این از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

میوه بر ما می‌روید چون به تاک پیوند خورده‌ایم. تنها همین پیوند است که اهمیت دارد. وظیفه ما این نیست که دیوانه‌وار به دنبال میوه بگردیم. این وظیفه باغبان است. وسوسه‌های فراوانی هستند که می‌خواهند ما را از این ماندن ساده در تاک منحرف کنند. برای بعضی، فضا خیلی تنگ می‌شود. و برای بعضی هرس کردن شاخه‌ها دردناک و انتقاد، غیر قابل پذیرش است. اما وقتی می‌دانیم که خود خدا پشت آن است و برای خیر ما هرس می‌کند، می‌توانیم این ماندن را تحمل کنیم حتی اگر دردناک باشد.

عیسی با ما به عنوان موجوداتی زنده سخن می‌گوید و ما را به ماندن فرا می‌خواند. و از ماندن، میوه می‌روید. اما ماندن در عیسی چنین نیست که گروهی از شاخه‌ها کمیته‌ای تشکیل دهند و تصمیم بگیرند به عیسی وفادار بمانند. نه، ماندن در عیسی چیزی است که از پیش یافت می‌شود. و هیچ وعده‌ای بهتر از کلمات خود عیسی نیست: «شما از قبل، به خاطر کلامی که با شما گفتم، پاک هستید.»

ماندن در عیسی ما را به آغاز باز می‌گرداند. هر آنچه هستیم از پیش تعیین شده است. وقتی تعمید می‌گیریم، مسیح را می‌پوشیم. او بخشی از هویت ماست. و گویی به خودی خود، تصویر تاک ما را به شام خداوند هدایت می‌کند: «هر که بدن مرا می‌خورد و خون مرا می‌نوشد، در من می‌ماند و من در او.»

تصویر تاک حقیقی هدفی دارد. آن هدف شادی است، شادی‌ای که در خدا و عطاهای او نمایان می‌شود. شادی‌ای که احساس زودگذر بر نمی‌انگیزد، بلکه در ستایش خدا به اوج می‌رسد. آمین.